من و اماس

بن‌بست «اماس»

مریم پیمان

● چراغ‌های قرمزرنگ ماشین سفید جلویی محوتر می‌شوند. چندین روز سردرد و تهوع توان اندیشیدن را از من گرفته است. بعد از مدت‌ها اشک می‌ریزم. بی‌امان و با صدا می‌گریم. «باید چشم‌پزشک نظر بدهد. چشم‌هایت عفونت دارند». وحشت با تکرار صدای پزشک در ذهنم بیدار می‌شود. در متراکم‌ترین ترافیک مهرماه گیر کرده‌ام. صدای ساز و طبل از دور و نزدیک شنیده می‌شود. هنوز شهر سیاه‌پوش است و عزادار و هیچ‌کس نیست در این شب نفرت‌انگیز با شنیدن حرف‌های ترسناک پزشک از زبان من کمی ذهنم را آرام کند. عفونت در بدن من ماندگار شده؛ هرروز به شکلی آزارم می‌دهد و من را سراغ متخصص دیگری می‌فرستد. این درد تلخ‌تر و طولانی‌تر از توان من شده؛ بیش از یک سال از آن می‌گذرد و صبر از من ربوده است. ماشین‌ها حرکتی می‌کنند. صدای گریه‌ام همراه افزایش سرعت بلندتر می‌شود. نمی‌دانم برای چه‌چیزی جز رؤیای محال سلامتی می‌گریم؛ «خدا خوشحالت کند، دختر!» صدای گرفته، اما شادمان «او» در گوشم می‌پیچد. «شادی»؛ چه واژه بی‌خاطره‌ای است در دفترچه ذهن، چه مفهوم غریبی است در طول زمان و چه ناباوری عجیبی است در ایمان من به زندگی. همه شماره‌ها و چراغ‌های سبز و قرمز و سفید ماشین‌ها محو می‌شوند و من به آنچه نباید ایمان می‌آورم؛ «خوب نمی‌بینم! شاید حمله‌های اندک تابستان به بینایی‌ام آسیب زدند». باز گرما کار خودش را کرد و بعد از چند سال شادمانی دوری از جدیت بیماری فهمیدم که «اماس» از من قوی‌تر است. داشتم فراموشش می‌کردم، اما... .

با صدای ممتد بوق ماشین از فکر می‌گریزم. دلیلی برای برداشتن دستم از روی آن ندارم. باید همه خشم و نفرتم از بیماری را به کوچک‌ترین شکلی نشان بدهم. امشب هیچ‌کس نیست که حرف‌های من را بشنود تا کمی آرام شوم. می‌دانم؛ اگر کسی هم بود، باز لبخند می‌زدم و از امید و خوبی‌های بیماری می‌گفتم. نمی‌گفتم که عفونت به‌عنوان یکی از آسیب‌های ناشی از بیماری طاقتم را طاق کرده است و سیستم ایمنی بدنم چنان حساس شده که هر بیماری ساده‌ای برای من نشانه ناخشنودی غیرقابل‌تحملی است. حتما اگر کسی هم بود می‌گفتم که دیشب چشم‌هایم را حشره‌های موذی تهران آلوده کرده‌اند و همه‌چیز زیر سر آنهاست و پزشک ساده‌انگارانه از من خواسته است که آزمایش‌های بیشتری بدهم و منتظر نتایج آنها نمانم و داروهایم را مصرف کنم. اگر کسی هم بود، می‌خندیدم و حرف می‌زدم و تلویزیون نگاه می‌کردم و از خوبی‌ها و بدی‌های روزگار می‌نالیدم. حتی بلند و هیجان‌زده می‌خندیدم. اگر کسی بود، ... . «اماس» را همیشه دوست داشتم، چون همیشه کمتر از توانش به من آسیب زده است، اما عارضه‌های دردساز آن همیشه مرا رنجانده‌اند. بدن در برابر بیماری ضعیف و به عفونت‌های مختلف به‌راحتی دچار می‌شود، شاید هم به اعتقاد برخی، عفونت‌های مختلف بدن را ضعیف می‌کنند و بیماری را تحریک. باز راه بسته می‌شود و صدای عزا بلند. کلافه، اشک‌هایم را پاک می‌کنم. با خودم می‌خوانم؛ «قناعت می‌کنم با درد چون درمان نمی‌یابم/ تحمل می‌کنم با زخم چون مرهم نمی‌بینم».

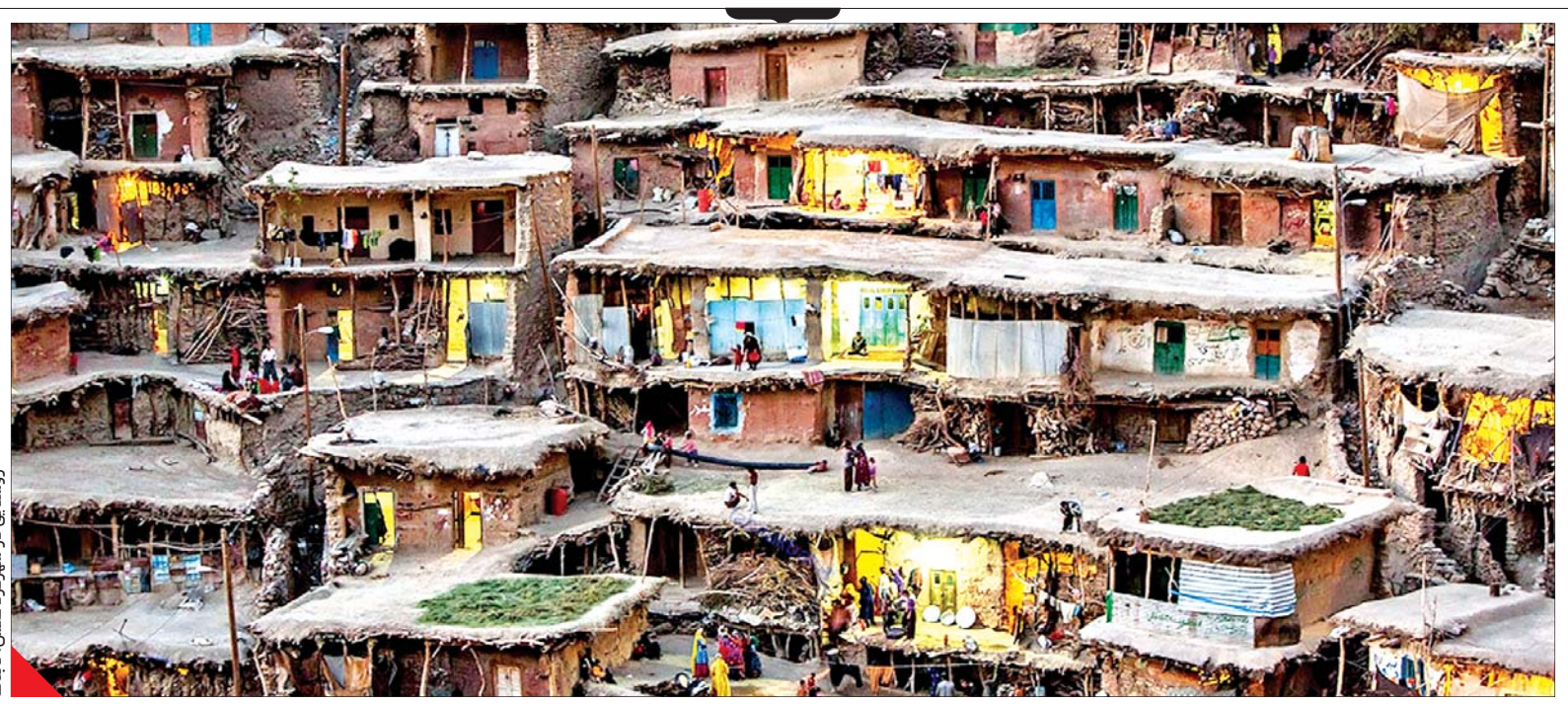

روستایی در شهرکرد عکس: تابناک

به بهانه ۱۵ مهر، گرامیداشت روز روستا

روستاها در حال ناپدید شدن

دکتر وحید ریاحی . دانشیار دانشگاه خوارزمی

ایران کشوری است که بنا بر سرشماری سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۸۰ میلیون نفر جمعیت و حدود ۲۱ میلیون نفر روستانشین دارد. جمعیت روستایی نسبت به سرشماری سال ۱۳۹۰ حدود ۷۰۰ هزار نفر کاهش داشته است. با وجود کاهش جمعیت روستایی، برای اعتبار همین تعداد می‌توان اشاره کرد که جمعیت روستایی ایران از یک‌سو از جمعیت ۱۰ کشور خاورمیانه و از سوی دیگر از مجموع جمعیت کشورهای لبنان، عمان، کویت، قطر و بحرین بیشتر است. ۲۱ میلیون نفر جمعیت روستایی ایران در ۶۲ هزار روستای کشور پراکنده هستند. مرور مشخصات جمعیتی و مکانی روستایی ایران چند نکته مهم در مقیاس ملی را بیان می‌کند.

نخست، از میان تقریبا ۲۴ میلیون خانوار حدود شش میلیون خانوار در سکونت‌گاه‌های روستایی زندگی می‌کنند که نشان می‌دهد تقریبا ۲۵ درصد جمعیت کشور در روستاها به سر می‌برند. این رقم در اوایل انقلاب بیش از ۵۰ درصد - ۳،۵ میلیون خانوار روستایی از ۶،۷ میلیون خانوار کشور- بوده و الزاما به معنای نزول رتبه نیست. در مقایسه بین‌المللی، اعتبار درصد روستانشینی به نوع و سیاست ملی درباره روستاها وابسته است. به‌عبارتی اگر کشوری سیاست شهرنشینی را دنبال کند تلاش می‌کند این رقم را به نزدیک صفر برساند؛ مانند کشورهای حاشیه خلیج فارس و بالعکس کشورهایی تمایل دارند جمعیت روستانشین بیشتری داشته باشند تا نیروی کار روستایی داشته و مشکلات شهرنشینی را نداشته باشند؛ مانند چین و بعضا هند. درهرحال وضعیت برنامه و سیاست‌گذاری کشور ما در این زمینه روشن نیست.

دوم، بُعد خانوار روستایی در ایران در چند دهه اخیر به شدت کاهش یافته و تقریبا با نرخ شهرنشینی برابری می‌کند. یعنی نرخ بُعد خانوار شهری در سال ۱۳۹۵ برابر ۳،۳ و نرخ روستایی ۳،۴ بوده است. در اوایل انقلاب بُعد خانوار روستایی بالغ بر ۵،۲ بوده است. کاهش نرخ بُعد خانوار روستایی دقیقا به معنای دگرگونی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی و نیز ساختار فرهنگی و نهایتا دگرگونی تولید در نواحی روستایی است و هیچ توجیه موجهی ندارد، مگر آنکه گفته شود سیاست‌گذاری درباره سکونت‌گاه‌های روستایی مسیر مطلوبی را طی نکرده است. بر اینها می‌توان اضافه کرد که میانگین سنی روستاییان کشور از ۲۳ سال در سال ۱۳۸۵ به بیش از ۳۰ سال در سال ۱۳۹۵ رسیده که رقم نگران‌کننده‌ای است. ایران همواره با ساختار جمعیتی جوان شناخته می‌شده است و به‌ویژه نرخ‌های مرتبط با جوانی جمعیت در نواحی روستایی از ساختار مناسبی برخوردار بود. تغییر پرشتاب آمارهای جمعیت روستاییان که تا حد زیادی با مهاجرت و کاهش زادوولد در ارتباط است و حرکات مکانی و اجتماعی جمعیت روستایی کشور. از آن جهت نگران‌کننده و بعضا ناامیدکننده است که همپای سایر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در حال دگرگونی است.

سوم، در ایران دهه‌های قبل، ۶۵ هزار روستا و در سرشماری اخیر، بالغ بر ۶۲ هزار سکونت‌گاه روستایی گزارش شده است. این رقم با توجه به تنوع محیطی و نحوه و دلیل استقرار روستاها در کنار منابع آبی، شاید به‌ظاهر معقولانه به نظر بیاید. اما در بطن این آمار مواردی است که حقیقت توزیع و پراکندگی سکونت‌گاه‌های روستایی ایران را بیان می‌کند. از میان ۶۲ هزار روستای گزارش‌شده در سرشماری ۱۳۹۵، حدود ۲۰ هزار روستا یعنی تقریبا یک‌سوم روستاهای ایران جمعیت کمتر از ۵۰ نفر را دارند و هشت هزارو ۵۰۰ روستا (۱۴ درصد) از جمعیتی بین ۵۰ تا ۱۰۰ نفر برخوردارند. با اشاره و توجه مهم به این نکته که در بسیاری از کشورهای جهان، تنوع، کوچکی، توزیع و پراکندگی روستاهای کشور از مزایای سرزمینی به شمار می‌رود، این نکته در ایران مزیت تلقی نمی‌شود.

به‌عبارت دقیق‌تر از ۶۲ هزار روستای ایران، عملا ۴۶ درصد در شمول برنامه‌های اجرائی و طرح‌های روستایی که با برند سکونت‌گاه‌های بالای ۲۰ خانوار در کشور ارائه می‌شود، قرار نمی‌گیرند و شاید همین در شدت‌یافتن تخریب و ازبین‌رفتن روستاهای کشور مؤثر باشد.

چهارم، از اوایل انقلاب اسلامی تا سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ در روستاهای ایران اقدامات گسترده‌ای صورت گرفته است. وزارت نیرو امروزه به دنبال شعار حذف روستای بدون برق در کشور است و تلاش زیادی شده تا در سال‌های اخیر پنج هزار روستای دیگر به شبکه آب سالم دسترسی داشته باشند. حتی مقرر است تا پایان برنامه ششم توسعه نسبت آب‌رسانی در روستاهای ایران به ۹۲ درصد برسد که البته چشمگیر است. بیش از ۲۵ هزار روستای ایرانی دارای مطالعه طرح هادی هستند و حدود ۱۵ هزار روستا از اجرای آن بهره‌مند شده‌اند. سالانه - هرچند اندک است - قدرت اجرای نوسازی و بازسازی ۲۰۰ هزار واحد مسکونی در کشور فراهم شده و در حدود ۳۴ هزار روستای کشور شورای اسلامی روستا و دهیاری‌ها مستقر و فعال شده‌اند. بدیهی است در کمتر کشوری چنین توجه و اعتباری استمرار یافته و در روستاها هزینه شده است. درباره هزینه فقط اشاره شود که یک طرح هادی روستایی برای اجرا نزدیک به ۱۰ میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد و مشابه آن سایر طرح‌های روستایی است که هزینه زیادی از دولت‌های بعد از انقلاب را به خود اختصاص داده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد اعتبارات تخصیص‌یافته به نواحی روستایی اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر چندان فراتر از اعتبارات تخصیص‌یافته به موارد مشابه در نواحی کشور و پرداخت یارانه‌ها نیست.

بُعد خانوار روستایی در ایران در چند دهه اخیر به شدت کاهش یافته و تقریبا با نرخ شهرنشینی برابری می‌کند. یعنی نرخ بُعد خانوار شهری در سال ۱۳۹۵ برابر ۳،۳ و نرخ روستایی ۳،۴ بوده است. در اوایل انقلاب بُعد خانوار روستایی بالغ بر ۵،۲ بوده است. کاهش نرخ بُعد خانوار روستایی دقیقا به معنای دگرگونی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی

با همه احوال ذکرشده، پس از انقلاب اسلامی تحول زیادی در عرصه‌های روستایی صورت گرفته است. روستاها از خدمات و امکانات گسترده و متعددی برخوردار شده‌اند. دسترسی به نواحی روستایی و برای روستاییان به شکل شایسته‌ای فراهم شده و این ارتباطات نه‌تنها به صورت فیزیکی متحول شده، بلکه در فضای مجازی نیز چشمگیر بوده و شاید بتوان گفت در اکثر روستاهای ایران خدمات دنیای مجازی برقرار است. حتی بسیاری از دهیاری‌ها و روستاها دارای کانال‌های متعدد برای اطلاع‌رسانی خدمات در فضای مجازی شده‌اند. همه اینها بیانگر تحول عظیم در عرصه روستایی است. بااین‌حال این پرسش اساسی مطرح است که با همه تحولات ذکرشده، چرا همچنان روستاها توسعه‌یافته نیستند و از مهاجرت روستاییان به شهرها کاسته نشده است؟ چرا همچنان روستاییان مشکلات دارند و برای رفع مشکلات، مهاجرت به شهرها را مدنظر قرار می‌دهند؟ برای پاسخ به پرسش‌ها مرور چالش‌های قابل تصور ضروری است.

روستاهای ایران چالش‌های متعددی دارند و غالب این چالش‌ها در حوزه کلان و سیاست‌گذاری است و توجه عمیق و کارشناسانه را می‌طلبد. ازبین‌رفتن جایگاه روستا در فرایند توسعه ملی کشور؛ ازبین‌رفتن رسالت و نقش روستا در نظام سکونت‌گاهی کشور؛ عدم توازن اقتصاد روستایی با روند اقتصادی جامعه؛ مهاجرت‌های گسترده گروه‌های روستایی؛ دگرگونی حیات اجتماعی کشور؛ حاشیه‌نشینی گسترده و فراگیر در شهرها؛ تخریب و ازبین‌رفتن سکونت‌گاه‌های روستایی؛ عدم تعادل توزیع جمعیت در نواحی کشور؛ ناموزونی آمایش سرزمینی (کشاورزی - صنعت - خدمات) و نابهنجاری اجتماعی در عرصه‌ها و سکونت‌گاه‌های روستایی مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی سکونت‌گاه‌های روستایی است و برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی نتوانسته در رفع این بنیان‌های ضروری توسعه روستایی اثربخش باشد. بدون تعارف باید گفت سکونت‌گاه‌های روستایی پس از انقلاب متحول شده اما توسعه نیافته است. انقلاب مردم ایران در سال ۱۳۵۷ موجبات تغییرات گسترده‌ای در روستاها شده است، اما نتوانسته پایداری روستاها را فراهم کند و به نظر می‌رسد مهم‌ترین نقطه ضعف در این مسئله، موضوع سیاست‌گذاری درباره روستاهای ایران است. روستاهای ایران نیازمند انقلاب در عرصه سیاست‌گذاری هستند.

تهرانشهر

خاورمیانه کوچک تهران

● **علیرضا زمانی:** محله‌های پرشمار تهران، اگرچه با توسعه ناموزون و معماری جدید گسسته از فلسفه ایرانی، می‌روند تا به ظاهر شبیه یکدیگر شوند، اما در باطن ویژگی‌هایی دارند که هر یک را از دیگری متفاوت کرده است. محله‌هایی که هر یک هویتی از این شهر بزرگ به‌حساب می‌آیند؛ هویت‌های خردی که به‌لحاظ ذاتی تعدادشان به ۲۰۰ هویت بالغ می‌شود و تحت نام تهران، هویتی متنوع و متکثر زیر پوست این شهر کلان جاری و ساری است. هویتی که با هویت‌های خرد نژادی و قومی و ملیتی بی‌شمار شهر پیوند خورده و تهران را به شهری خاص بدل کرده است. هویت متنوع و متکثری که نمود و جلوه‌گاهش همین ایام محرم و عزاداری‌های شهر است. دولت‌آباد، محله کم‌نام‌ونشان تهران، یکی از همان ۲۰۰ هویت ذاتی شهر است. محله‌ای که در گذشته روستایی بود، از روستاهای بلوک غار و ساکنانش درون قلعه‌ای زندگانی می‌کردند. ساکنانی که در زمان زندیه، عده‌ای از ایل هفت‌لنگ بختیاری با تبعید به آن اضافه شدند. روستایی که زمانی با باغ زیبا و پرمحصولش، در مالکیت عباس میرزا نایب‌السلطنه بود. روستا قلعه‌ای که از دهه ۵۰، زمین‌هایش به شرکت عمران دولت‌آباد واگذار و واحدهای مسکونی بی‌شماری برای کارمندان دولت احداث شد. واحدهای مسکونی که کنار قلعه رو به زوال، هویت متفاوتی را در کنار ساکنان قدیم برای دولت‌آباد به ارمغان آورد.پیش از این، در همین کوچه پس‌کوچه‌های دولت‌آباد بود که تعزیه فاخر این روزهای تهران پایه‌گذاری شد. خاله حسنیه، بانوی ساکن محله، به سبب ارادتش به سیدالشهدای عالم، همراه اصغر نانوا، محمد قصاب و دیگر مردمان محله، چراغ تعزیه را در دولت‌آباد برافروخت. بانویی که معین‌البکایی تعزیه را عهده‌دار بود. معین‌البکایی که همان نقش کارگردان سینما و تئاتر را در تعزیه عهده‌دار است. بانویی که باید او را نخستین معین‌البکای زن و شاید نخستین کارگردان این سرزمین لقب داد. بانویی که شاگردش خسرو شمر، فاخرترین تعزیه این روزگار شهر را در حسینیه دوشهید دولت‌آباد اجرا می‌کند. همان خسروشمر که افتخار معین‌البکایی این شهر به او رسیده و تعزیه‌اش را ادامه راه تعزیه تکیه دولت تاریخی تهران، به‌حساب باید آورد. غیر این، دولت‌آباد محل سکونت بسیاری از ایرانی‌های عربی است که در روزگار قاجار و پهلوی اول، پدران و اجدادشان راهی و ساکن عراق شده بودند. ایرانی‌هایی که با روی‌کارآمدن حزب بعث، از عراق اخراج و تعداد شایان‌توجهشان ساکن بلوار قدس شدند. بلواری که حسینیه کاظمینی‌ها، نجفی‌ها، کربلایی‌ها و کردهای فِیلی در آن واقع شده و عزاداری‌ها و نذورات و گفت‌وگوها و زبان‌ها و نوشته‌های این خیابان، حال و هوایی کاملا عربی به این نقطه از خاک تهران بخشیده است.همچنین، دولت‌آباد محل سکونت پاکستانی‌های شیعه از طایفه جعفری است که به کار عینک‌فروشی مشغول‌اند. پاکستانی‌هایی که ایام محرم تکیه‌ای در دولت‌آباد برپا می‌کنند و به سبک و سیاق معروف پاکستانی به سینه‌زنی و نوحه‌خوانی می‌پردازند و با شیر مخصوص از عزاداران پذیرایی می‌کنند. افغان‌های پرتعداد دولت‌آبادی هم چند تکیه برای خود در این محله به پا کرده و به شیوه سنتی، بکر و تأثیرگذار خود برای حسین فاطمه به اقامه عزا می‌پردازند. سوری‌ها هم چندصباحی است که میهمان دولت‌آبادی‌های تهران‌اند؛ هرچند فعالیتی در این ایام ندارند. دولت‌آباد، مانند خاورمیانه‌ای کوچک، با همه تنوع و تکثر قومیتی و ملیتی و هویتی‌اش، نشانگر گوشه‌ای از هویت هزارتوی تهران است، هویتی که کمتر دیده‌شده و کمتر جایی در برنامه‌های توسعه‌ای این شهر داشته است.

جدول ۲۹۳۷ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- رمانی نوشته جمال میرصادقی- پزشکی که دوره تخصصی را می‌گذراند ۲- پوشاننده- مدفن امام‌هادی(ع)- درس نگارشی ۳- خواب خیال‌انگیز- کالا- ژانری سینمایی ۴- دلداده وامق- آزرده- همراه متل ۵- نت چهارم- طناز- اکنون- بانگ چوپان ۶- یک نفر- خواهش‌های نفسانی- سرشت ۷- از همسایگان روسیه- بخش انتهایی پرچم گل- نحیف و نزار ۸ - فیلمی ساخته محمدرضا خردمندان با بازی ساره بیات ۹- نان خردشده در آبگوشت- همدم- رادار ۱۰- همبازی هاردی- واحد پول بنگلادش- فرارکردن ۱۱- گرما- تاکنون- کتابی آموزشی در فقه امامیه- همه را شامل می‌شود ۱۲ - نیروگاهی در مازندران- واحدی برای اندازه‌گیری مساحت زمین- پایان و آخر ۱۳- وضع موجود- ذخیره- احسان ۱۴- روشن و تابناک- شیطان- بدنام ۱۵- کمترین مقدار- مایعی بی‌رنگ و شفاف که در صنایع غذایی و دارویی به کار می‌رود.

عمودی:

۱- از فرشتگان مقرب الهی- از باشگاه‌های فوتبال انگلستان ۲- خالکوبی- پس از سپتامبر- کهنه و فرسوده ۳- رایج و متداول- از پیامبران بنی‌اسرائیل- کوره گچ‌پزی ۴- اوباش- خستگی‌ناپذیر- پاسخ مثبت ۵- نقل حدیث- تکاور ۶- سقف اتاق- چراغ خوراک‌پزی قدیم- مادر عرب‌زبان ۷- قومی ایرانی- لوچ- سوغات کرمان ۸- تیراژ- کفش چرخدار ورزشی- کبیر ۹- زیبا و دلفریب- فرستادن- ریگ نرم ۱۰- راهی که به آخر نمی‌رسد!- گیاه قدیمی آسیایی و نافع برای آلزایمر- بیماری کم‌شدن گلبول‌های سرخ ۱۱- عرصه، میدان- پرورش گیاهانی که بعد از کاشت دانه، حداکثر تا یک سال محصول می‌دهند ۱۲- موی گردن شیر- جسم- نام چند نفر از پادشاهان فرانسه بود ۱۳- گیتی- انگیزه- مقدور و ممکن ۱۴- جلوس کرده- حربه‌ای شبیه شمشیر- محله و برزن ۱۵- میله تخت و بلند برای درآوردن تایر- لباس رستم دستان.

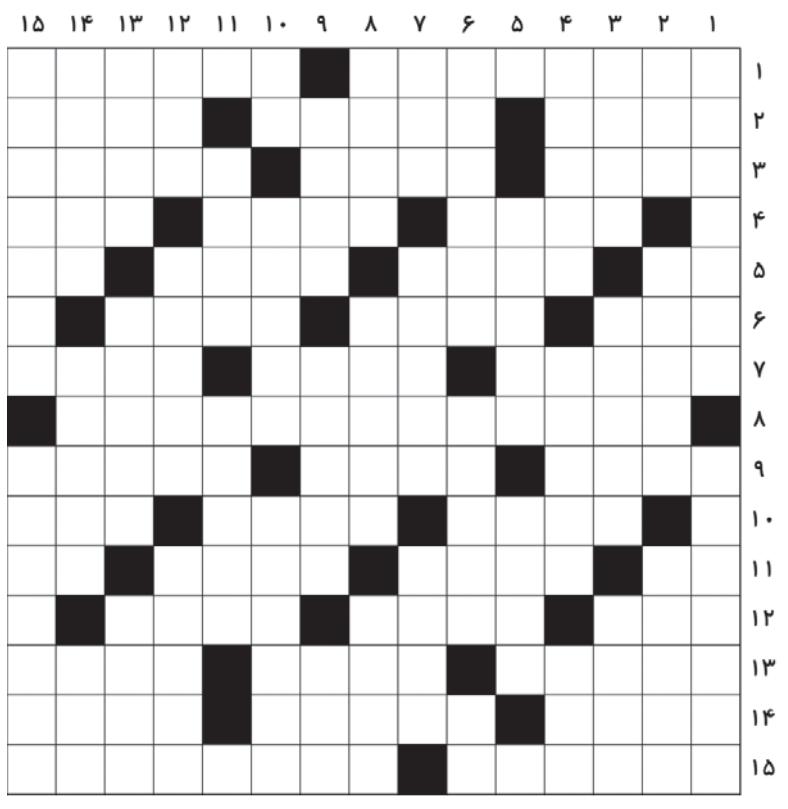

حل سودوکو سخت

۹	۱	۷	۸	۳	۴	۲	۵	۶
۴	۸	۵	۹	۶	۲	۷	۱	۳
۲	۳	۶	۱	۵	۷	۹	۸	۴
۶	۴	۸	۳	۱	۹	۵	۲	۷
۷	۵	۱	۲	۸	۶	۳	۴	۹
۳	۹	۲	۴	۷	۵	۱	۶	۸
۱	۶	۹	۵	۴	۳	۸	۷	۲
۸	۲	۴	۷	۹	۱	۶	۳	۵
۵	۷	۳	۶	۲	۸	۴	۹	۱

حل سودوکو ۱۹۳۲

۹	۵	۱	۳	۲	۷	۴	۶	۸
۲	۶	۴	۹	۵	۸	۳	۷	۱
۳	۷	۸	۴	۶	۱	۵	۲	۹
۴	۲	۹	۷	۸	۳	۶	۱	۵
۵	۳	۷	۱	۴	۶	۹	۸	۲
۱	۸	۶	۵	۹	۲	۷	۴	۳
۸	۴	۳	۶	۱	۹	۲	۵	۷
۷	۱	۵	۲	۳	۴	۸	۹	۶
۶	۹	۲	۸	۷	۵	۱	۳	۴

جدول ۲۹۳۶

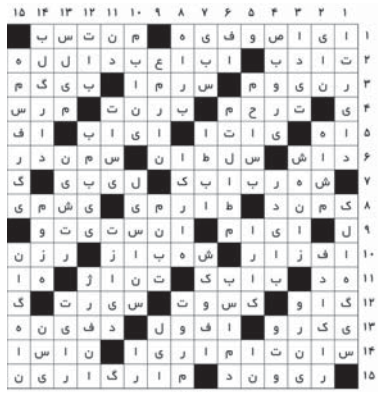

سودوکو سخت ۱۹۳۳

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۱		۴		۹		۵
	۷		۸			۳	۶	
۴		۶	۹		۷			
				۸			۲	۹
	۵			۶	۹			۳
	۲	۴	۵			۶		
			۱					۶
			۴			۸	۳	
		۷		۲				

سودوکو ۱۹۳۳

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۱		۷	۸					۲
		۳		۱		۵		۹
	۹	۶	۲	۷				۳
۹			۵		۱		۲	۷
۲				۴	۷			۵
۳	۷	۵		۲	۸		۶	
			۱	۸		۴	۵	
		۴			۶	۲		۱
۶			۴		۳		۹	